آیینه

اطلاعات

یادداشت: «رییس‌جمهور روحانی»؛ محمود نادری

عمق نگرانی از انحرافات اعتقادی و فکری ترویج‌شده در دهه گذشته را می‌توان در گفته‌های آیت‌الله فاضل لنکرانی استاد حوزه علمیه قم و فرزند آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی که روز دوشنبه ۹۲/۴/۱۰ در روزنامه شرق به چاپ رسید، مشاهده کرد. البته عده‌ای از روحانیون از همان ابتدای شکل‌گیری این دست از تفکرات مشکوک در مقابل این جریان واکنش قابل ستایش نشان دادند اما پاره‌ای از روحانیون نسبت به خطرات این‌دست از انحرافات فکری و عقیدتی دیر پی برده و با تاخیر عکس‌العمل نشان دادند که در جای خود قابل بحث است... رییس‌جمهور روحانی چنانکه بارها بیان کرده است به روشنی دریافته است که در چه برهه سختی از زمان عهده‌دار مسوولیتی تا به این حد خطیر شده است که موفقیت و خدای ناکرده عدم توفیق ایشان می‌تواند چه پیامدها و آثار ماندگاری داشته باشد. از این رو به نظرم نهاد روحانیت باید قدردان این فرصت تاریخی که در فرآیندی دموکراتیک ملت ایران در اختیار آن قرار داده است، باشد چرا که از این رهگذر و با بازبینی عالمانه کامیابی‌ها و ناکامی‌های گذشته می‌تواند به جایگاه بایسته و شایسته تاریخی خود دست یابد.

کیهان

سرمقاله: «برف فراق!»؛ حسین شریعتمداری

آیا با توجه به صدها سند غیرقابل انکار که از خیانت اصحاب فتنه حکایت می‌کند، حضور و نفوذ - هرچند غیرمستقیم - آنها در کابینه آقای دکتر روحانی جفا به اسلام و انقلاب و بی‌اعتنایی به مردمی نیست که از نخستین روزهای بعد از پیروزی انقلاب با دشمنی‌ها و کینه‌توزی‌های مثلث آمریکا و انگلیس و اسراییل روبه‌رو بوده و در این راه خون‌ها داده، خون‌دل‌ها خورده و سختی‌های طاقت‌فرسا را تحمل کرده‌اند؟!... دکتر روحانی با وجود تلاش فراوان مدعیان اصلاحات و برخی از سران و عوامل فتنه ۸۸ نشان داده هوشمندتر از آن است که پای در چنبره فریب آنان بگذارد و اعتبار رای مردم و مسوولیت حساس ریاست بر قوه مجریه نظام مقدس اسلامی را در پیوند با این جریان به دست باد بسپارد... کیهان قبل از انتخابات با توجه به حمایت برخی از سران و عوامل فتنه آمریکایی - اسراییلی ۸۸، بیم آن داشت که ایشان با جریان بدنام مورد اشاره گره خورده باشد و هنوز هم بر این باور است که آقای روحانی نباید اعلام حمایت آنها را می‌پذیرفت. اما، ایشان بعد از انتخاب به ریاست‌جمهوری اسلامی ایران در اولین کنفرانس خبری خود وابستگی رای خویش به مدعیان اصلاحات را نفی کرد و بر مواضعی تاکید ورزید که اصولگرایان روی آن تاکید داشته و دارند.

ایران

دستکاری شریعتمداری در سخنان نتانیاهو برای تخریب مشایی

عبدالرضا داوری، مدیرمسوول روزنامه شهروند در یادداشتی نوشته: روزنامه کیهان در ادامه پروژه تخریب مهندس مشایی دست به اقدامی عجیب زده است. این روزنامه در شماره دیروز خود، با دستکاری سخنان بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی که در مصاحبه با لالی ویموث، سردبیر ارشد روزنامه واشنگتن‌پست بیان شده و متن کامل آن در وب‌سایت روزنامه واشنگتن‌پست موجود است، تلاش نمود تا نتانیاهو را از عدم احراز صلاحیت مهندس اسفندیار رحیم‌مشایی در انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر ناراحت نشان دهد... در اظهارات بنیامین نتانیاهو درباره مهندس مشایی، عبارت («مشایی» و سایر نامزدهای دیگر که متمایل به نزدیکی با غرب و رژیم اسراییل بودند) اصلا وجود ندارد و این عبارت توسط روزنامه کیهان به سخنان نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اضافه شده است!

اعتماد

یادداشت: «آمارهای فیزیکی یا رقمی»؛ بهمن آرمان

اصولا اطلاعاتی که از ایران به محافل بین‌المللی داده می‌شود آمارهایی هستند که آنچنان اعتمادی به آنها نیست. حتی در پیش از انقلاب هم‌چنین بوده است. بعید به نظر می‌رسد که رتبه اقتصادی ایران از ۲۲ به ۱۷ رسیده باشد. اگر چنین بود ایران را به‌عنوان عضو گروه ۲۰ دعوت می‌کردند در حالی که چنین اتفاقی نیفتاده... آن چیزی که ما به‌عنوان بورس داریم در عمل طبق استانداردهای بین‌المللی یک بورس متناسب با استانداردهای بین‌المللی نیست. ضمن اینکه شاخص‌هایی که گفته می‌شود، عمدتا بر پایه شرکت‌های دولتی است که به پذیرش بورس درآمدند و این خود نمایانگر این است که بورس ما و آمارهایی که درباره آن ارایه می‌شود آمارهای چندان معتبری نیستند و بعید به نظر می‌آید که در یک اقتصادی که مواجه با رکود تورمی است یک بورس با رونق داشته باشیم.

جمهوری اسلامی

ارشاد آمار منتشر کند

اظهارات آقای احمدی‌نژاد در گفت‌وگوی تلویزیونی هفته گذشته درباره مطبوعات موجب شگفتی بسیاری از مدیران مطبوعات شده است. رییس‌جمهور مدعی شد روزنامه‌های منتقد دولت بیش از روزنامه‌های موافق، از دولت یارانه دریافت می‌کنند. این ادعای رییس‌جمهور نه تنها صحت ندارد بلکه واقعیت، درست برعکس آن است. اگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آمار و اطلاعات دقیق توزیع یارانه‌های مطبوعات در سال‌های اخیر را منتشر کند مشخص خواهد شد که با روزنامه‌های منتقد در این دولت چگونه رفتار شده است. ضمنا داستان قطع کردن فرمایشی آگهی‌های روزنامه‌های منتقد و تحویل یک جای آنها به روزنامه دولت نیز از اقدامات خلاف عدالت دولت آقای احمدی‌نژاد است.

روایت از درون

سلام

مهسا جزینی: روزنامه‌نگاری در کشورما دچار انقطاع نسلی و ذهنی است. ۲۰ بهمن ۶۹ روزنامه‌ای در ایران متولد شد که به اعتقاد بسیاری آغاز فصلی تازه در روزنامه‌نگاری ایران بود، فصلی که با «سلام» آغاز و با دولت اصلاحات شکوفا شد. جمع نخستینی که «سلام» را پایه‌گذاری کردند لزوما روزنامه‌نگار نبودند. سیاسیونی بودند که حرف‌هایی برای گفتن داشتند و به دنبال فضایی برای انعکاس آن حرف‌ها بودند. از آن جمع فقط «عباس عبدی» روزنامه‌نگار ماند. بعد از «سلام» سیاسیون پیشین هم به کار اصلی خود بازگشتند. تقریبا کسی از آن نسل در مطبوعات نمانده و کمتر روزنامه‌نگاری است که خاطره و سابقه‌ای از همکاری با «سلامی»ها در یاد داشته باشد. تجربه‌ای که می‌توانست بماند و منتقل شود. اینکه «سلامی»ها که بودند و چه می‌خواستند، در نوشته‌های عباس عبدی، ابراهیم اصغرزاده و اکبر اعلمی درباره چرایی انتشار این روزنامه آمده است. گزارش ما بدون اینکه به دلایلی قصد پرداختن به سرانجام «سلام» را داشته باشد صرفا برداشتی است از حال و هوای روزنامه‌ای که نماند...آخرین شماره سلام ۱۷ تیر ۷۸ منتشر شد.

خیابان فلسطین‌جنوبی نبش دومین کوچه از سمت چپ یک ساختمان شش طبقه است. در اصلی رو به خیابان باز می‌شود و در دیگر داخل کوچه. از بچه‌های قدیمی «سلام» که سوال می‌کنی یادشان نمی‌آید که ساختمان دری هم در این کوچه داشته است احتمالا این در بعدا باز شده است. روزنامه «سلام» از روز نخست انتشار تا سال ۷۵ در این ساختمان منتشر می‌شد و بعد به انتهای خیابان کوچ کرد. برای پیداکردن ساختمان ابتدا کمی مشکل دارم. اول به «عباس عبدی» که در مقاطعی دبیر اقتصادی، عضو شورای سردبیری و سردبیر روزنامه بوده است زنگ می‌زنم نه اسم کوچه خاطرش هست و نه نمره و پلاک. نشانی تصویری می‌دهد. «۵۰ متر می‌روی پایین، دست چپ، اولین کوچه سمت چپ، روبه‌رویش یک پرده‌فروشی است و کنارش یک داروخانه. نبش یک کوچه است و درش روبه خیابان باز می‌شود». بر نشانی‌های عبدی گرد ۱۵ ساله نشسته، نه ردی از آن داروخانه است و نه پرده‌فروشی، به جایی نمی‌رسم. این‌بار به «اکبر اعلمی» دبیر بخش گزارش روزنامه زنگ می‌زنم او هم سعی می‌کند کمکم کند. می‌گوید: «یک ساختمان جنوبی نه‌چندان قدیمی است که بعد هم به مرکز تحقیقات استراتژیک نظام بدل شد.» سعی می‌کنم از این نشانی آخر کمک بگیرم. همچنین از سوپر روبه‌رویی و عینک‌فروشی دو طرف ساختمان، به آنها هم همین نشانی را می‌دهم و کسی چیزی نمی‌داند. قدیمی‌ترین کاسب خیابان اما قدمتش به ۱۰ سال نمی‌رسد نه اسمی از «سلام» شنیده‌اند و نه مرکز تحقیقات استراتژیک. بانگهبان ساختمانی که احتمال می‌دهم همان ساختمان «سلام» باشد صحبت می‌کنم او هم نمی‌تواند کمکی کند، همراهم از در خارج می‌شود در همان حال با پیرمرد سیه‌چرده‌ای که از روبه‌رو می‌آید مواجه می‌شویم، به من معرفی‌اش می‌کند و می‌گوید از او سوال کن، او می‌داند، از همه اینجا قدیمی‌تر است و خبر دارد. از پیرمرد سوال می‌کنم شما می‌دانید ساختمان روزنامه «سلام» کجا بود. سر تکان می‌دهد و می‌گوید: «همین ساختمان» و بعد هم داخل کوچه را نشانم می‌دهد و می‌گوید از همین در که بروید داخل، همان‌جا ساختمان روزنامه است. می‌گوید بیست‌وچند سال است که واکسی است و همان دور واطراف بساط می‌کند. «علی مردان غفاری» خاطراتی هم از روزنامه‌نگاران و کارمندان «سلام» دارد اگرچه اسم ونشانی‌ای ازآنها به یاد ندارد. اما خیلی وقت‌ها می‌رفته آنجا ناهار می‌خورده و برخی اوقات هم کفش‌هایشان را واکس می‌زده. می‌گوید که آدم‌های خوبی بودند و بعد هم که رفتند ساختمان دوم گهگاه می‌رفتم آنجا. اما دیگر نمی‌دانم چه شد. من دیگر نرفتم. زنگ اول ساختمان را می‌زنم، شرکت فنی شیمیایی. فردی من را به داخل و نزد رییس شرکت هدایت می‌کند. رییس می‌داند که اینجا پیش‌تر ساختمان روزنامه «سلام» بوده است. اگرچه او ساختمان را در حالی که چند سالی از رفتن روزنامه و خالی‌بودنش می‌گذشته، از مالکش خریداری کرده است. ساختمان روزنامه «سلام» در اختیار بسیج بوده که بعد به موسوی‌خوبینی‌ها اجاره داده شد. می‌گوید: «روزنامه که از اینجا منتقل می‌شد مالک اصلی هم شکایت کرد و ملکش را پس گرفت.» ساختمان پیشین روزنامه «سلام» پنج طبقه است. طبقه نخست اداری، دوم تحریریه. سوم آگهی‌ها و چهارم لیتوگرافی بود. زیرزمین ساختمان هم آشپزخانه بود. حالا دفاتر شرکت‌های اداری، پزشکان ومشاوران حقوقی در طبقات این ساختمان جای گرفته‌اند. تحریریه روزنامه «سلام» با موکت فرش شده بود. روزنامه‌نگاران و کارمندان حق ورود با کفش به داخل تحریریه را نداشتند اگرچه در سال‌های بعد موکت جمع شد و میز صندلی‌ها باقی ماند. وارد تحریریه که می‌شدی اتاق روبه‌رو متعلق به سردبیر بود و کنارش ابتدا گروه اجتماعی، بعد اقتصادی و سپس سیاسی و ورزشی قرار داشت. «سلام» به شکل شورای سردبیری منتشر می‌شد. نخستین اعضای این شورا «سید عبدالواحد موسوی‌لاری»، «ابراهیم اصغرزاده» و «عباس عبدی»، بودند. نخستین تحریریه «سلام» هم شامل ۱۱ سرویس بود و دبیران آن به شرح زیر بودند: «ابراهیم اصغرزاده» دبیر سرویس سیاسی داخلی، «وفا تابش» دبیر سرویس سیاسی خارجی، «سید محمد رضوی‌یزدی» دبیر سرویس معارف اسلامی، «عباس عبدی» دبیر سرویس اقتصادی، «بهروز صحابه» دبیر سرویس ورزشی، «مسعود مظفری» دبیر سرویس اجتماعی، «مهرنوش جعفری»دبیر خبر، «محمدمهدی حیدریان» دبیر سرویس فرهنگی- هنری، «سیدمحمود حسینی» دبیر سرویس علمی پژوهشی، «اکبر اعلمی» دبیر سرویس گزارش، «محمدابراهیم انصاری‌لاری» دبیر صفحه حقوقی، «عیسی ولایی» بخش شهرستان‌ها (مدیریت بر سرپرستی‌ها، خبرنگاران و توزیع) و «میرعلی نگارنده» بخش شهرستان‌ها (مدیریت خبر). «سلام» در روزگار بدون اینترنت منتشر می‌شد و تنها دستگاه خبررسان تلکس روزنامه بود. در طول روز تحریریه خالی بود و روزنامه‌نگاران بیرون از روزنامه در حوزه‌های خبری، مشغول تولید خبر و گزارش بودند. روزنامه حتی آن اوایل برای تهیه عکس هم به خبرگزاری وابسته بود. هرروز بعدازظهر یک نفر می‌رفت خبرگزاری ایرنا وعکس‌های مورد نیاز را از آنجا تهیه می‌کرد. کارمندان و روزنامه‌نگاران «سلام» خاطرات زیادی دارند از نحوه تعیین فونت روزنامه که می‌خواستند متفاوت از دو روزنامه کیهان و اطلاعات باشد تا تجمع انصار حزب‌الله در یک بعدازظهر پنجشنبه جلو روزنامه در سال ۷۴. شاید مهم‌ترین رخداد روزنامه‌نگاری که به نام «سلام» ثبت شده است. افشای اختلاس معروف ۱۲۳ میلیاردی بنیاد مستضعفان بود. اما اینکه چه شد «سلام» برای نخستین‌بار توانست خبر اختلاس را کشف و منتشر کند شاید به این برمی‌گردد که یکی، دو نفر از روزنامه‌نگارانش پیش‌تر کارمند این بنیاد بودند و از این طریق خبر را با جزییات مستندش منتشر کردند. «سلام» بعدها به نوعی مبتکر اولین‌ها در روزنامه‌نگاری شناخته می‌شود. نخستین روزنامه‌ای بود که در آن زمان صفحه‌ای ویژه زنان منتشر می‌کرد. «پروانه محیی» مسوول این صفحه بود که ابتدا کارش را با انتشار خبرهای دادگاه خانواده در ستون زنان آغاز کرد و بعدها مسوول صفحه‌ای به همین نام شد. «سلام» همچنین ستونی داشته که بعدها زیاد از آن یاد می‌شد و ابتکارش برای این روزنامه ماند. ستون «الو سلام» که «جعفر گلابی» مسوولش بود و سربرگ‌هایی جدا و متفاوت از سربرگ‌های روزنامه داشت به اندازه نصف کاغذ آچهار که با رنگ سبز بالای آن نوشته شده بود «الو سلام». این ستون همانی است که الان در بسیاری از روزنامه‌ها وجود دارد و پیام‌ها و خواسته‌های مردمی در آن منتشر می‌شود. قدیمی‌های «سلام» تعریف می‌کنند که فضای روزنامه صمیمی و دوستانه بوده است. «سلام» در دوران انتشارش و پیش از توقیف کامل، یک توقیف کوتاه‌مدت هم به خود دیده است. ۱۳اسفند ۷۴، ساعت ۱۲شب و در روزهای آخر منتهی به انتخابات مجلس پنجم این روزنامه به مدت ۴۸ ساعت منتشر نشد. گفته شده وقتی تب انتخابات ۷۶ در کشور بالا گرفت، فروش روزنامه «سلام» فوق‌العاده شد. برای اولین بار جلو کیوسک‌ها برای خرید روزنامه «سلام» صف می‌بستند. بی‌تردید یکی از محوری‌ترین پشتوانه‌های تبلیغاتی انتخابات دوم خرداد، روزنامه «سلام» بود.

اکبر اعلمی:
«سلام» میان مردم و نخبگان جایگاه ویژه‌ای داشت

شما دبیر سرویس گزارش روزنامه «سلام» بودید درست است؟ چطور شد از بنیاد مستضعفان و جانبازان به روزنامه کوچ کردید؟

همزمان با راه‌اندازی روزنامه «سلام»، بنده مشاور ریاست بنیاد مستضعفان و جانبازان و مشاور حقوقی بانک صادرات بودم و در ایامی که جلساتی با حضور آقای موسوی‌خوبینی‌ها و جمعی از دوستان برای گفت‌وگو پیرامون نحوه راه‌اندازی و اداره روزنامه «سلام» برگزار می‌شد، بنده هم در آن جلسات حضور داشتم. در یکی از همین جلسات با حکم آقای خوبینی‌ها به‌عنوان رییس هیات گزینش و دبیر سرویس گزارش منصوب شدم. این هیات از سه نفر آقایان سعید حجاریان، عیسی ولایی و بنده تشکیل شده بود و مسوولیت پذیرش و گزینش همکاران «سلام» را برعهده داشت. مسوولیت صفحه «شما» و «مسولان» و همچنین ستون از همه‌جا - از همه‌کس هم با من بود.

بارها گفته شده است که حذف نیروهای معروف چپ از عرصه قدرت سیاسی عامل انتشار روزنامه «سلام» بوده است، آیا دلیل دیگری هم برای انتشار روزنامه‌ای متفاوت حس شده بود؟

تا جایی که اطلاع دارم یکی از دلایل انتشار «سلام» توسط خوبینی‌ها، اصرار مرحوم حاج احمد خمینی بوده است. اما می‌توان گفت که تک‌صدایی‌بودن نشریات و رسانه‌ها و برخوردهای حذفی گسترده با نیروهای موسوم به چپ و خط امامی، لزوم برخورداری از یک رسانه برای انتقال پیام‌های متفاوت به مخاطبان، از مهم‌ترین دلایل انتشار روزنامه «سلام» و همکاری افراد مختلف با آن بوده است.

آیا «سلام» را می‌توان ارگان مجمع روحانیون مبارز به شمار آورد؟

حتی اگر مجمع روحانیون مبارز هم به این روزنامه به‌عنوان ارگان خود می‌نگریست، دست‌کم در جلسات برگزارشده هرگز در این مورد صحبتی نشد. وانگهی نحوه عمل و خط‌مشی آقای خوبینی‌ها در اداره «سلام» از یکسو و ترکیب دبیران سرویس‌ها و هیات تحریریه و رویکرد و خاستگاه سیاسی و فرهنگی آنان از سوی دیگر هم به‌گونه‌ای نبود که بشود استنباط کرد این روزنامه تابع خط‌مشی مجمع روحانیون مبارز است. اما بدون تردید مواضع «سلام» و مجمع روحانیون مبارز در بسیاری از موارد بیانگر نوعی وفاق و همگرایی نسبی میان این دو بود.

چرا نام «سلام» برای روزنامه انتخاب شد؟

در یکی، دو جلسه در مورد انتخاب نام روزنامه بحث و تبادل نظر به عمل آمد و سرانجام آقای خوبینی‌ها که به‌نظر می‌رسید خارج از دفتر روزنامه تصمیم‌گیری شده، نام «سلام» را که برگرفته از آیه شریفه «سلام قولا من رب الرحیم» بود، برای روزنامه انتخاب کرد.

از انتشار اولین پیش‌شماره «سلام» چه خاطره‌ای دارید؟

در آغاز راه‌اندازی «سلام» دبیران سرویس‌ها به دلایلی ترجیح می‌دادند که مقالاتشان بدون نام منتشر شود اما بنده اولین دبیر سرویسی بودم که مقاله‌ام با اسم خودم در این پیش‌شماره منتشر شد. یادم است در آن روزها سعید حجاریان که عضو هیات سه‌نفره گزینش بود، در تایید یا رد داوطلبان همکاری با «سلام» گاهی روی اسم افراد حساسیت نشان می‌داد. مثلا اگر اسم کسی بابک، کوروش و داریوش بود آن را یک نقطه ضعف برای فرد گزینش‌شده محسوب می‌کرد.

با توجه به پیشینه افراد به‌نظر می‌رسد که نخستین اعضای تحریریه «سلام» جزو کسانی بودند که قبلا کار روزنامه‌نگاری نکرده بودند. آیا این مساله شروع و ادامه کار «سلام» را دشوار نمی‌ساخت؟

این برداشت ممکن است درمورد دبیران سرویس‌ها صدق کند اما در گزینش نیروها حتی‌الامکان سعی می‌کردیم کسانی را استخدام کنیم که از تجربه و دانش خبرنگاری برخوردار باشند و از یکی از دانشکده‌های ارتباطات فارغ‌التحصیل شده باشند. البته در اوایل کار «سلام» به‌دلیل فضای خاص سیاسی حاکم ما از حیث خبرنگار و نویسنده با کمبود جدی مواجه بودیم و تکمیل کادر تحریریه و حتی فنی «سلام» مدتی به‌طول انجامید و به‌تدریج این مشکل برطرف شد. از طرفی درست است که بعضی از دبیران سرویس‌ها قبلا کار روزنامه‌نگاری نکرده نبودند اما هریک از آنها آدم‌های استخوان‌داری بودند و بعضا در نشریات علمی و سیاسی مقالاتی داشتند. عباس عبدی دبیر سرویس اقتصادی معاون وقت مرکز مطالعات استراتژیک ریاست‌جمهوری بود و خودش هم اهل قلم و تحلیلگر بود و یکی، دو کتاب نوشته بود، سعید حجاریان که غالبا در سایه فعالیت می‌کرد از نیروهای بسیار خوش‌فکری بود که هم اهل قلم و تحلیلگر سیاسی بود. بهروز صحابه دبیر سرویس ورزشی، رییس اسبق فدراسیون فوتبال و مدیرعامل وقت انتشارات کتاب همراه بود. وفا تابش دبیر سرویس سیاسی خارجی نیز از بچه‌های خوش‌فکر و دانشجویان سابق پیرو خط امام بود و در حوزه سیاست خارجی کار کرده بود و در زمان فعالیت «سلام» جزو مدیران وقت وزارت نیرو بود. اگر اشتباه نکنم مسعود مظفری دبیر سرویس اجتماعی و محمدمهدی حیدریان دبیر سرویس فرهنگی - هنری نیز از مدیران وزارت ارشاد بودند. محمدابراهیم انصاری لاری دبیر صفحه حقوقی؛ استاندار اسبق فارس و از دانش‌آموختگان حقوق بود، میرعلی نگارنده مسوول بخش شهرستان‌ها از نیروهای فعال و ریاست سازمان تعزیرات حکومتی را عهده‌دار بود.

ارتباط «سلام» با مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری را از جمله ویژگی‌های متفاوت این روزنامه و شاید علت موفقیتش می‌دانند، این تحلیل را قبول دارید؟

بله از دلایل موفقیت «سلام» ارتباط موثر تحریریه با مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری را می‌توان بر شمرد. این روزنامه در میان مردم و خصوصا نخبگان جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده بود.

ابراهیم اصغرزاده:
«سلام» راه ارتباط چپ‌های خط امام با مردم بود

چطور شد که ابراهیم اصغرزاده به جمع راه‌اندازان روزنامه سلام پیوست، روایت شما از علت شکل‌گیری روزنامه‌ای با مختصات جدید چه بود؟

سال‌های آخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ برایم پر از خاطرات تلخ و شیرین است. به‌خصوص تغییر تیترهای صفحه یک در ساعات پایانی شب و کار کردن با دوستان جدیدی که کم و بیش با ذات رسانه و روزنامه‌نگاری مدرن آشنایی داشتند. البته نیمکت ذخیره‌های سلام به‌مراتب پرستاره‌تر بود از تیمی که میدان را به دست گرفته بودند. بازی این‌سبکی البته در عین هیجان دردسرساز هم بود. همکاری من با بعضی از این دوستان به سال‌های نخست دهه ۶۰ در کیهان و بعدا نیمه آن دهه جهت انتشار نشریه بعثه حجاج ایرانی در عربستان برمی‌گشت که کار را ساده و روان می‌کرد. صفحات و عناوین ابتکاری مانند الو سلام، پیدا و پنهان، اخبار خاکستری و درگوشی، شنیده‌ها و ناشنیده‌ها و نظایر آن گرچه در ابتدا با مقاومت منفی و بی‌رغبتی مواجه می‌شد اما خوش‌ذوقی و سعه‌صدر آقای موسوی‌خوبینی‌ها گره‌گشا بود. برخلاف آنچه از وی در اذهان عمومی به‌عنوان چهره‌ای انعطاف‌ناپذیر نقش یافته و با وجود فقدان سابقه مطبوعاتی رفتار و سلوک ایشان میدان خوبی برای فعالیت جمعی فراهم می‌ساخت. اواخر سال ۱۳۶۴ موسسه و به‌ویژه روزنامه کیهان، معتبرترین رسانه مکتوب قبل و بعد از انقلاب دو عنصر کلیدی، یعنی سرپرست و قائم‌مقام فرهنگی‌اش را از دست داد؛ شهید شاهچراغی و مرحوم حسن منتظرقائم. یکی در حادثه سقوط هواپیما به دست دشمن و دیگری در تصادف جاده‌ای. آقای خاتمی که نماینده امام‌خمینی (ره) بود، از آقای سیدمحمد اصغری جهت سرپرستی دعوت به عمل آورد ولی فرآیند انتخاب قائم‌مقام فرهنگی به دلیل حساسیت سیاسی کیهان و همچنین کسب نظر شوراهای سردبیری، دبیران سرویس‌ها و تحریریه‌های روزنامه و دیگر نشریات کیهان قدری به تاخیر افتاد. افرادی نظیر آقایان هادی خانیکی، رضا تهرانی، ماشاءالله شمس‌الواعظین، مسعود غفاری، مصطفی رخ‌صفت، کمال حاج‌سیدجوادی، یونس شکرخواه، بهروز گرانپایه، غلامرضا موسوی، فریدون صدیقی، مهدی فرقانی، بهروز صحابه، امیرحسین فردی، عباس سلیمی‌نمین، حسین راغفر، شهیدی مودب و خانم‌ها شرکت، صدر، اسکندری، بدیعی و دیگران حضور داشتند. نهایتا من هم به‌عنوان قائم‌مقام فرهنگی به آن خانواده پیوستم. بعضی از این دوستان همانانی بودند که چند سال بعد به قوام تحریریه سلام کمک کردند.

چینش نیروها و جمع شدن آنها به لحاظ سیاسی و فکری بر چه اساسی بود اینکه همه بچه‌های پیرو خط‌امام و تسخیرکننده لانه جاسوسی دور هم جمع شدند تا رسانه‌ای منتشر کنند چرا و چطور انجام شد؟

طبیعی است زمانی که پای مجمع روحانیون به‌عنوان نهاد روحانی میراث‌دار فقه سیاسی و پویای امام با محوریت اشخاصی همچون موسوی‌خوبینی‌ها، کروبی، خاتمی و موسوی بجنوردی به‌میان آید به اندازه کافی انگیزه ایجاد می‌کرد که دوستان خط امامی و فعالان چپ مذهبی در آن وانفسا گردهم آیند و از اندک فرصت به دست آمده زمانی که وزیر ارشاد آقای خاتمی بود این بهره را ببرند. کار سیاسی در خلأ صورت نمی‌گیرد. علاوه بر امکان حقوقی و توجیه فنی نیازمند بستر اجتماعی مناسب و تقاضای مخاطب است. جامعه ایران به‌ویژه طبقه متوسط و اقشار شهری پس از پایان جنگ و آغاز سازندگی به فضای بازتر سیاسی و آزادی عمل بیشتر تمایل نشان می‌داد. عمر کوتاه روزنامه سلام همزه وصل دو پرانتز مهم در تاریخ انقلاب بود. یک پرانتز شامل اراده قطعی جناح راست برای یکدست‌کردن جامعه سیاسی و حذف چپ‌ها و پرانتز دیگر حاوی پروژه بحران‌سازی تندروهای اصولگرا برای از کار انداختن چرخ اصلاحات و برچیدن یکسره بساط جامعه مدنی. اهمیت تاریخی روزنامه سلام به دلیل کاری بود که در این مقطع کرد.

روزنامه سلام در فضای بعد از درگذشت امام و آغاز کناره‌گیری جناح چپ منتشر شد. آیا کنار گذاشته‌شدن آنها علت اصلی انتشار روزنامه بود تا جایی که حس شده بود فضایی برای بیان افکار و عقاید آنها نیست و نیاز به رسانه‌ای دارند که حرف‌های خود را بزنند؟

داستان انتشار این روزنامه زمانی آغاز شد که محافظه‌کاران به لطایف‌الحیل سعی کردند راه ارتباط آنها با مردم را مسدود کنند. ممانعت از چاپ اعلامیه انصراف سه نفرْاز روحانیون سرشناس جناح چپ، یعنی آقایان موسوی‌خوبینی‌ها، مرحوم توسلی و مرحوم عبایی‌خراسانی در روزنامه‌های موجود آن زمان، مجمع روحانیون مبارز را به‌صرافت انداخت تا خود رسانه داشته باشد. یک روزنامه چپ پیشرو تا حدودی این خلأ را پر می‌کرد. روزنامه‌ای که آن زمان در اندازه خود صدای لرزان و محتاطی بود که روند اداره امور کشور را به نقد می‌کشید. پنهان نیست که ما برای مواجهه با موضوعات جدید و سیاست‌های دولت هاشمی‌رفسنجانی به کادر همفکر و منسجمی نیاز داشتیم که باید چارچوب‌های فکری و گفتمانی و نه الزاما ایدئولوژیک مجمع را قبول داشته باشند.

در همان شماره‌های نخست، سلام با چه واکنش‌هایی مواجه شد؟ آیا گروه‌های سیاسی و روزنامه‌های موجود در همان ابتدا متوجه تفاوت شیوه، روش و محتوای روزنامه تازه‌تاسیس شدند؟

روزنامه سلام فراتر از یک نشریه بود. جنبش اصلاح‌طلبانه‌ای که سرنوشت انقلاب و کشور را تحت‌تاثیر قرار داد، به‌عقیده ناظران، مدیون روزنامه سلام در ایجاد و تداومش بود. دولت وقت تمایل چندانی به توسعه سیاسی و گشایش فضای باز نشان نمی‌داد حتی آن را موی دماغ برنامه رشد اقتصادی خود و اجرای سیاست تعدیل می‌دانست. مواضعی که سلام می‌گرفت مانند انتشار اخباری از نقض حقوق شهروندی، دفاع تلویحی از انتشار و انعکاس اخبار منتقدان یا انعکاس انتقادات اقتصادی و نقد تصمیمات غیرشفاف اقتصادی دولت طبعا خوشایند مقامات رسمی نبود. با نزدیک شدن به انتخابات ریاست‌جمهوری دوم خرداد ۱۳۷۶، سلام تنها نشریه‌ای بود که به‌طور مستقیم از نامزد مجمع روحانیون مبارز یعنی محمد خاتمی هواداری کرد.

نگاه

یادی از «سلام»

عباس عبدی

نوشتن درباره تاسیس روزنامه سلام، بدون پرداختن به شرایط آن زمان، نارسا و تا حدی گنگ خواهد بود. پس از انقلاب، فضای مطبوعاتی کشور بسیار باز شد، به‌طوری که حتی از هیچ قاعده و قانونی هم تبعیت نمی‌کرد. در نهایت به جایی رسیدیم که روزنامه‌های اصلی کشور شامل کیهان، اطلاعات و جمهوری‌اسلامی بود و نیروهایی در کیهان و اطلاعات فعال بودند که بعدا جزو اصلاح‌طلبان محسوب می‌شدند. فضای عمومی کیهان هم به‌نسبت باز بود، به‌ویژه صفحه ۱۸ آن، مطالب متنوع و حتی حساسیت‌برانگیز داشت. ولی این روزنامه‌ها نسبت به دولت آن زمان انتقادی نبودند، تا اینکه روزنامه رسالت به مدیرمسوولی مرحوم آذری‌قمی به گیشه آمد که منتقد دولت بود. روزنامه ابرار هم بود که خط‌مشی سیاسی مهمی نداشت. ولی پس از سال ۱۳۶۸ تحولاتی در فضای مطبوعاتی و روزنامه‌ها به‌وجود آمد. به این‌صورت که کیهان دچار تغییرات شد و نقش و حضور جناح چپ آن زمان یا اصلاح‌طلبان بعدی در آن کمرنگ و سپس بی‌رنگ شد و با توجه به انحصار دولتی رادیو و تلویزیون که در آن زمان آقای محمد هاشمی رییس آن بود، اصلاح‌طلبان و جناح چپ به‌کلی فاقد رسانه شدند. اولین زنگ خطر این بی‌رسانه‌ای هم وقتی شنیده شد که در سال ۱۳۶۹ مجمع روحانیون مبارز که تا سال ۱۳۶۸ هیچ احساس کمبودی از نظر دسترسی به رسانه نداشت، بیانیه‌ای را در رابطه با انتخابات مجلس خبرگان منتشر کرد که روزنامه‌ها از انتشار آن منع شدند. این جرقه‌ای مهم بود و آنان را متقاعد کرد که برای تاسیس روزنامه‌ای مستقل اقدام کنند. تحول دیگر در معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که آقای امین‌زاده در آن حضور داشت اتفاق افتاد و از سال ۱۳۶۸ در برنامه‌ای جامع با حضور مشاوران مطبوعاتی خود، سیاست بسط مطبوعاتی را در پیش گرفتند و کم‌کم انتشار نشریات جدید آغاز شده بود و از راه‌اندازی چنین روزنامه‌ای هم استقبال می‌کردند. در عین حال فراموش نکنیم که تاسیس روزنامه در آن شرایط بیش از آنکه عملی حرفه‌ای و روزنامه‌نگارانه تلقی شود، کنشی سیاسی محسوب می‌شد. به‌خوبی به یاد دارم که در اوایل پاییز سال ۱۳۶۸ در دیداری که با آقای موسوی‌خوبینی‌ها داشتم، پیشنهاد کردم که یک روزنامه تاسیس کنند که مورد توجه ایشان واقع نشد ولی فقط ۱۶ماه بعد بود که ایشان برای راه‌اندازی روزنامه از بنده و سایر دوستان دعوت کردند. در آغاز راه، با مسایل متعددی مواجه بودیم. اول اینکه نیروهای موردنظر عموما از افراد همفکر و هم‌تجربه دعوت شدند، زیرا که فعالیت روزنامه‌نگاری بیش از آنکه فعالیتی حرفه‌ای تلقی شود، سیاسی بود. به همین دلیل هم کمتر کسی برای دستمزد و سابقه وارد تحریریه شد. اکثر دوستان سردبیری و دبیران سرویس از روی شوق و علاقه و انگیزه سیاسی وارد شدند. یکی از مهم‌ترین اتفاقات این روزنامه، انتشار آن در صبح بود. در آن زمان روزنامه‌های اصلی مثل کیهان و اطلاعات بعدازظهرها منتشر می‌شدند ولی ما نمی‌توانستیم این کار را انجام دهیم، زیرا اکثر نیروهای روزنامه کسانی بودند که در جاهای دیگر شاغل بودند ولی عقیده بنده و برخی دوستان دیگر تا حدی متفاوت بود. اصرار داشتم که این روزنامه صبح منتشر شود تا نوعی تمایز با سایرین هم باشد. در نهایت این آغاز راهی بود که امروز شاهد آن هستیم که مثل اکثر جاهای دنیا، همه روزنامه‌ها صبح منتشر می‌شوند. اهمیت انتشار سلام در شکستن حلقه بسته مطبوعات و به‌ویژه روزنامه‌هایی بود که بدون رقابت جدی تاخت‌وتاز می‌کردند. شکل صفحه اول آن نیز تا حدی در این تمایز دیده می‌شد، زیرا اصرار داشتیم که به جای الگوی رایج استفاده از تیترها و سوتیترهای کوچک و بزرگ و تنوع اخبار صفحه اول، با تیترهای